

اسرار سازمان‌های سری

فصل دوم - سازمان‌های سری در روز امروز

از پایان جنگ دوم، تشکیلات جاسوسی یرنفوذ و دامنه‌داری در ایالات متحده امریکا، اتحادشوروی، و چین کمونیست بوجود آمده است. در هر یک از این کشورها، اینگونه تشکیلات از سازمان‌های سری و واحدهای امنیتی مختلفی تشکیل گردیده که غالباً در پیشبردهدقها و وظایف خود باهم کشمکش دارند و رقیب یکدیگر بشمار می‌آیند. بنابراین نمایاندن جزئیات و خصوصیات "چهره‌هائی" که با هوش سرشار و تیزبینی، در میان‌انبوه سازمان‌های مختلف در سراسر جهان پاسخگوی وظایف خطیر و سنگین هستند، بسیار جالب میباشد. از اینرو، خلاقیت، قدرت انجام وظیفه، و روش‌های هر یک را در پیچ و خم ترکیب و مکانیسم تشکیلات دولتی کشور مربوطه‌اش بطور جداگانه مورد بررسی قرار میدهیم. فعالیت‌های ضد جاسوسی و کسب اطلاعات بشیوه سنتی، بدانگونه که در پاره‌ای از کشورهای تازه بوجود آمده خاور نزدیک، آسیای جنوب شرقی، آسیای مرکزی و افریقا مورد استفاده قرار میگردد، در صورت لزوم، اختلافات تشکیلاتی و آن قسمت از فعالیت‌هائی را که جالب باشد، ضمن نشان دادن ویژگیهای عملیاتی آنها، شرح خواهیم داد. اما آن قسمت‌هائی که به فعالیت‌های داخلی سازمان‌های سری و امنیتی مختلف مربوط میگردد باختصار بیان خواهیم داشت. در نتیجه، آنچه قبلاً درباره آن سخن رانده‌ایم و آن جزئیاتی که سری محسوب نمیشود و یا بدلیل آنکه امور اتفاقی، پیش‌داوریه‌ها و سایر عوامل مشابهه بیش از دقت و عقل و گزینش‌های منطقی در گردآوری آنها نفوذ داشته است از اهمیت و تاکید کمتری برخوردار خواهد گردید. مهمترین هدف این فصل آنستکه طی آن وضع و موقع سازمان‌های سری مختلف در چهارچوب ساختمان و تشکیلات دولتی مربوطه‌اش نشان داده شود.

۱- سازمانهای سری فرانسه و انگلستان

الف - سازمان سری انگلستان

باسابقه‌ترین سازمان سری (و این در صورتی است که تمدن‌های قدیمی و قدرت‌های بزرگ هزاره‌های پیشین را که بعضی از آنها از بین رفته‌اند کنار بگذاریم) سازمان سری انگلستان (British Secret Service) میباشد. این سازمان در اصل، در زمان "ادوارد سوم" (۱۳۷۷-۱۳۲۷ میلادی) که روش‌های سیاسی و روابط دیپلماتیک جدید را مدیون او میدانیم، بصورت یک سازمان دولتی پایه‌گذاری گردید. هدف اساسی از ایجاد آن، تدارک امنیت تاج و تخت و سیاست هیئت دولت در دربار بود. "هانری هفتم" (۱۵۰۹-۱۴۸۵) وظایف آن را بدو قسمت نمود: برای حفظ امنیت داخلی، سرویس اطلاعاتی و اجرائی را بصورت واحد جداگانه‌ای زیر فرمان پلیس دائرکرد، برای امنیت خارجی، در یرتو فعالیت‌هاییکه برای حفظ امنیت داخلی بعمل می‌آمد، چشم‌انداز امور و پیش‌آمدهای خارجی را نیز مورد توجه قرار میدهد و سیاست خارجی خود را با در نظر گرفتن آن اطلاعاتی که از داخل و خارج بدست می‌آمد، طرح ریزی مینمود.

در زمان "الیزابت اول" (۱۶۰۳-۱۵۵۸)، سازمان سری انگلستان در یرتو درایت و کاردانی "لرد وایزینگهام"، بدون شک کارآمدترین و مدرنترین تشکیلات زمان خود بود. اما تنها در زمان "کرومول" (۱۶۵۸-۱۶۵۳) بود که، زیر نظر یکی از حقوقدانان طرازاول "جان تورلوی" و "هاگ دوم" و نیز "گویام" هر کدام بنوبه خود در بهبود تشکیلات و طرز کار و منابع مالی لازم برای فعالیت‌های سازمان سری کوشیدند که در نتیجه آن سازمان سبکی از دستگاههای لازم برای پادشاه انگلستان تبدیل شد و در پیشبرد کارهای دولت و حتی پارلمان نیز مفید واقع میگردد. سازمان سری انگلستان بمیزان قابل ملاحظه‌ای در جریان وقایع قرن نوزدهم رشد و تکامل یافت. پیشرفت روش‌های فنی و صنعتی و بویژه وسائل مخابراتی جدید بهترین ابزار جهت کارائی و سرعت بیشتر بود و هر یک در همان اوان پیدایش بلافاصله توسط سازمان بکار گرفته میشد.

در سال ۱۸۷۲ وزیر جنگ انگلستان "کاردول" در چهارچوب تجدید سازمان ارتش

"اداره اطلاعات نظامی" (M.I.D) را تشکیل داد. وظیفه این اداره آن بود که اطلاعات مربوط به ارتشهای بیگانه و کلیه قدرت‌های جهان را در اختیار سرفرماندهی عالی قرار دهد. "وزارت خارجه" که سازمان سری خود را اداره میکرد نسبت به وضع جدید اعتراض نمود. چیزی که بیشتر از همه موجب ناراحتی آنها شد این بود که باین ترتیب، وزیر جنگ

همراه با نمایندگان سیاسی، یکنفر نظامی را بعنوان "کنسول نظامی" که وظیفه اش کسب اطلاعات درباره جزئیات و قدرت نیروهای کشور دیگر بود، اعزام میداشت. پس از بحث و گفتگوی زیاد "وزارت خارجه" راضی شد.

در اینموقع، موفقیت "اداره اطلاعات نظامی"، حسادت "دریاداری" را که مایه غرور انگلستان بود، برانگیخت. سازمان سری چنان نیروی دریائی مقتدری نمیتوانست بدست یکمشت "موشبندری" اداره شود؟! بنابراین "دریاداری" نیز در سال ۱۸۹۰ یک سازمان اطلاعاتی ویژه خود تشکیل داد و حاصل آن شد که از آن تاریخ نمایندگان دریاداری با نمایندگان ارتش پیوسته در جدال و کشمکش بسربرند.

در سال ۱۸۸۷ چهارمین سازمان سری انگلستان که در واقع "شعبه ویژه اسکاتلند یارد" بود تشکیل شد. کار اصلی این سازمان آن بود که فعالیت های انقلابی جمهوریخواهان ایرلند را سرکوب نماید. اما ناگفته نباید گذاشت که در امور ضد جاسوسی هم فعالیت می نمود.

در آغاز قرن، وزیر جنگ تصمیم گرفت که در "شعبه اطلاعات ویژه" دو اداره جدید ایجاد شود: یکی "اداره جاسوسی" زیر عنوان "اطلاعات نظامی" (M.I.6) و دیگری "اداره ضد جاسوسی" بنام (M.I.5) که "شعبه ویژه اسکاتلند یارد" بعنوان یک اداره اجرائی بآن ملحق گردد، زیرا تنها این شعبه میتواند نسبت به بازداشت و بازجویی و سایر فعالیت های پلیسی در مورد اشخاص مظنون اقدام نماید.

درین جا مطلبی هست که بایستی بصورت خارج از موضوع بدان اشاره شود. نویسندگان و بوجود آورندگان داستانهای جاسوسی و فیلمهای تلویزیونی اقرار می کنند که تقریباً در تمام حادثه آفرینی های آنها اثری از نفوذ سازمان سری بریتانیا بچشم میخورد. از آنجمله ناو جنگی که "لرد کیچز" تسلیم روسها کرد و یا حادثه هواپیمائی که "ژنرال سیکورسکی" رئیس دولت لهستان در تبعید در آن بود را میتوان نام برد. اغلب میخوانیم که دو سازمان بسیار مهم و خطر آفرین سازمان سری، یعنی سازمان های (M.I.5) و (M.I.6) توسط یک شخص اسرار آمیز بنام "آقای" (Mister G) رهبری میشوند.

حرف اسرار آمیز " " علامت (Ghef) بمعنی رئیس میباشد و چون "سرمانسفیلد کاملینگ" که نامش بزبان انگلیسی با " " نوشته میشود (Gum ming) رئیس سازمان (M.I.6) همیشه بجای امضای تمام، فقط علامت اختصاری نام خود را بکار میبرد، ازینرو بکار بردن علامت " " برای امضای دستورات توسط جانشین های او، صرفنظر از حرف اول اسم آنها، مرسوم گردید. بنابراین علامت اسرار آمیز " " چیز فوق العاده ای نبود و کسی بدین نام وجود نداشت. حرف " " علامتی بود که سازمان سری آنرا

بعلامت رمز میشناخت و علامت اختصاری برای اوراق و دستورات (M.I.C) شناخته شده بود. سازمان سری بریتانیا، بدانگونه که در نوشته‌های روزنامه‌نگاران و داستان نویسان نشان داده‌میشود خالی از عیب و نقص نبود. آن سازمان هم مانند همه سازمانهای مشابه، از نیرنگ‌ها و دسایس اعضا، آن و کشمکش‌های داخلی که از عدم کفایت و فقدان ابتکار ناشی میشد، رنج میبرد.

لیکن با فرا رسیدن سال ۱۹۱۱ وضع تغییر نمود. درین تاریخ بود که جدال و کشمکش میان وزارت جنگ و دریاداری، با پیروزی دریاداری که وظایف سازمان سری ارتش را بعهده گرفت پایان یافت. اداره (M.I.6) به ارتش بازگردانده شد و سپس به سازمان اطلاعات "اداره خارجه" پیوست. همزمان با این تغییرات، سازمان سری جدیدی زیر نظر "دریاداری" بنام "سازمان اطلاعات سری" (S.I.S) تشکیل گردید. فعالیت‌های این سازمان تحت فرماندهی "ادمیرال سرویلیام هال" که رئیس "سازمان اطلاعات سری" در زمان جنگ جهانی اول بود، و خدمات "سر آ. اوینگ" رئیس "اداره آمار دریاداری" (که محل آن در ساختمان قدیمی شماره ۴۰ بود) ثبت تاریخ گردید.

اداره (M.I.5) برای مدتی بکار خود ادامه داد. در سال ۱۹۲۴ به "سازمان امنیت" مدل گردید و زیر نظر "وزارت کشور" و بدستور "شعبه ویژه اسکاتلندیارد" مشغول فعالیت شد. علاوه بر فعالیت‌های ضد جاسوسی در سطح ملی، "سازمان امنیت" در مستعمرات بریتانیا و در زمینه بررسی و کسب اطلاعاتی که در سایر نقاط جهان از وظایف "سازمان اطلاعات سری" است نیز انجام وظیفه مینماید. این ترتیبی است که امروزه از اهمیت زیادی برخوردار نمیشد. اینطور که بنظر میرسد همکاری "سازمان امنیت" و "شعبه ویژه اسکاتلندیارد"، صرف نظر از چند مورد استثنائی، بویژه در زمان تصدی "سرباسیل تامسون" در اسکاتلندیارد همواره بدون هیچگونه درگیری ادامه داشته است.

پس از تجدید سازمان سال ۱۹۲۴، هیچیک از وظایف سری، مگر بازشناسی وضع نیروهای دشمن بعهده وزارت جنگ باقی نماند. اما در سال ۱۹۴۰ دوباره با اشکالات داخلی مواجه گردید. وزارت جنگ میخواست کنترل "سازمان اطلاعات سری" را بدست گیرد. در نتیجه به "وینستون چرچیل" پیشنهاد نمود که یک سازمان ویژه خرابکاری و عملیات کوماندوئی در اروپای اشغال شده "هیتر" ایجاد نماید. بدین منظور ناگزیر از این شدند که "اداره D" (ویژه عملیات خرابکاری وغیره) را از "سازمان اطلاعات سری" به "وزارت جنگ" منتقل نمایند. بدین ترتیب بود که، بیشتر در اثر موقع شناسی و ابتکار و دیپلماسی "چرچیل"، "اداره عملیات مخصوص" (S.O.E) برهبری "هوگ دالتون"، که وزیر جنگ اقتصادی بود، تشکیل گردید.

مدتی نیز "سرراپرت وانستیارت" بر "اداره عملیات مخصوص" نظارت داشت. اما گرداننده واقعی سازمان "سرکولین گوبینز" بود و پس از وی "سرگلا دوین جب" افسری که سابقاً "رابط میان" سازمان اطلاعات سری" و "وزارت خارجه" بود و بعداً "نماینده انگلستان در سازمان ملل متحد" شد، بترتیب اداره آنرا بعهده داشتند.

محل "اداره عملیات مخصوص" خانه شماره ۶۴ خیابان بیکر بود، لیکن از خانههای مجاور آن نیز استفاده میشد. وضع این خانهها و رفت و آمد در آنها بقدری عادی و معمولی بود که سازمان سری آلمان را با اشتباه انداخته بود و آنها فکر میکردند "اداره عملیات مخصوص" در ساختمان "اورچارد کورت" واقع در "یورتمن اسکور" میباشد، در صورتی که در ساختمان "اورچارد کورت" تنها قسمت مربوط به امور محلی این سازمان اداره میشد.

در جریان سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ "اداره عملیات مخصوص" شهرت افسانه‌ای بدست آورد و پس از پیروزی متفقین در سال ۱۹۴۶ منحل گردید. عملیات و موفقیت‌های آن پس از آن تاریخ توسط یکی از مورخان بنام "م. ر. د. فوت" و روزنامه‌نگاران مشهوری چون "کوکریج" و "سویت اسکات" قسمتی بصورت سرگذشت واقعی علمی و فنی و قسمت دیگر بصورت داستانهای پرآب و رنگ برشته تحریر درآمد.

در میان رؤسای سرشناس سازمان سری بریتانیا در آن زمان میتوان از "سرلشگر سراسوارد گراهام میزز" شاگرد قدیمی "آتون" افسر "لایف گارد" که از سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۱ رئیس "سازمان اطلاعات سری" بود نام برد. جانشین او "سر ویلیام گلد اسمیت وایت" در نظر بسیاری از مردم انگلستان یکی از چهره‌های افسانه‌ای سازمانهای جاسوسی جدید و هم‌تای "آلن و. دالاس" اولین رئیس "سازمان سیا" (C.I.A) در آمریکا میباشد. یکی دیگر از چهره‌های معروف امور سری انگلستان "سراجر هالیس" رئیس "سازمان امنیت" بود که پس از رسوائی "پروفومبو" از کار کناره‌گرفت. "سر ویلیام استفنسون" که در زمان جنگ جهانی اول خلبان هواپیمای شکاری بود و طی آن جنگ بیش از بیست مورد پیروزی قهرمانانه داشت، هواپیمای جنگنده "فون ریختوفن" برادر "مانفرد فون ریختوفن" معروف را سرنگون ساخت و پس از جنگ میلیونها ثروت بدست آورد و سرانجام وقت و پول خود را در راه سازمان سری صرف نمود. سمت او ریاست "سازمان سری بریتانیا" در نیمکره غربی بود و شهر نیویورک جهت مرکز فعالیت او انتخاب شده بود. در سال ۱۹۴۰ علاوه بر سازمان اصلی تشکیلاتی را بنام "همکاری امنیتی بریتانیا" (B.S.C) پایه‌گذاری کرد و صرفنظر از مشکلاتی که در کار بود با "ج. ا. هور" رئیس سازمان اف‌بی‌آی (F.B.I.) آمریکا و "ژنرال و. س. دونوان" رئیس "سازمان فعالیت‌های استراتژیک" (O.S.S.) که فعالیت‌های آن هم‌تراز "اداره عملیات مخصوص" (S.O.E.) بود، همکاری نزدیک داشت.

همانگونه که شرح داده شد، رشد "سازمان سری بریتانیا" از آن نظر جالب و دارای اهمیت است که پایبای پیش‌آمدها و حوادث و جنگهای تکنیکی، اقتصادی، و ایدئولوژیکی بصورت یک بررسی تجربی پیشرفت نموده و مانند سازمانهای مشابه در کشورهای دیگر صرفاً به جنبه نظامی محدود نگردیده است. پس از جنگ جهانی دوم، نیروهای مسلح در برابر دستگاههای جاسوسی برتری خود را از دست دادند و تحت الشعاع قرار گرفتند. در حال حاضر "سازمان سری بریتانیا" در سه قسمت که از هر لحاظ با هم برابر هستند فعالیت مینماید.

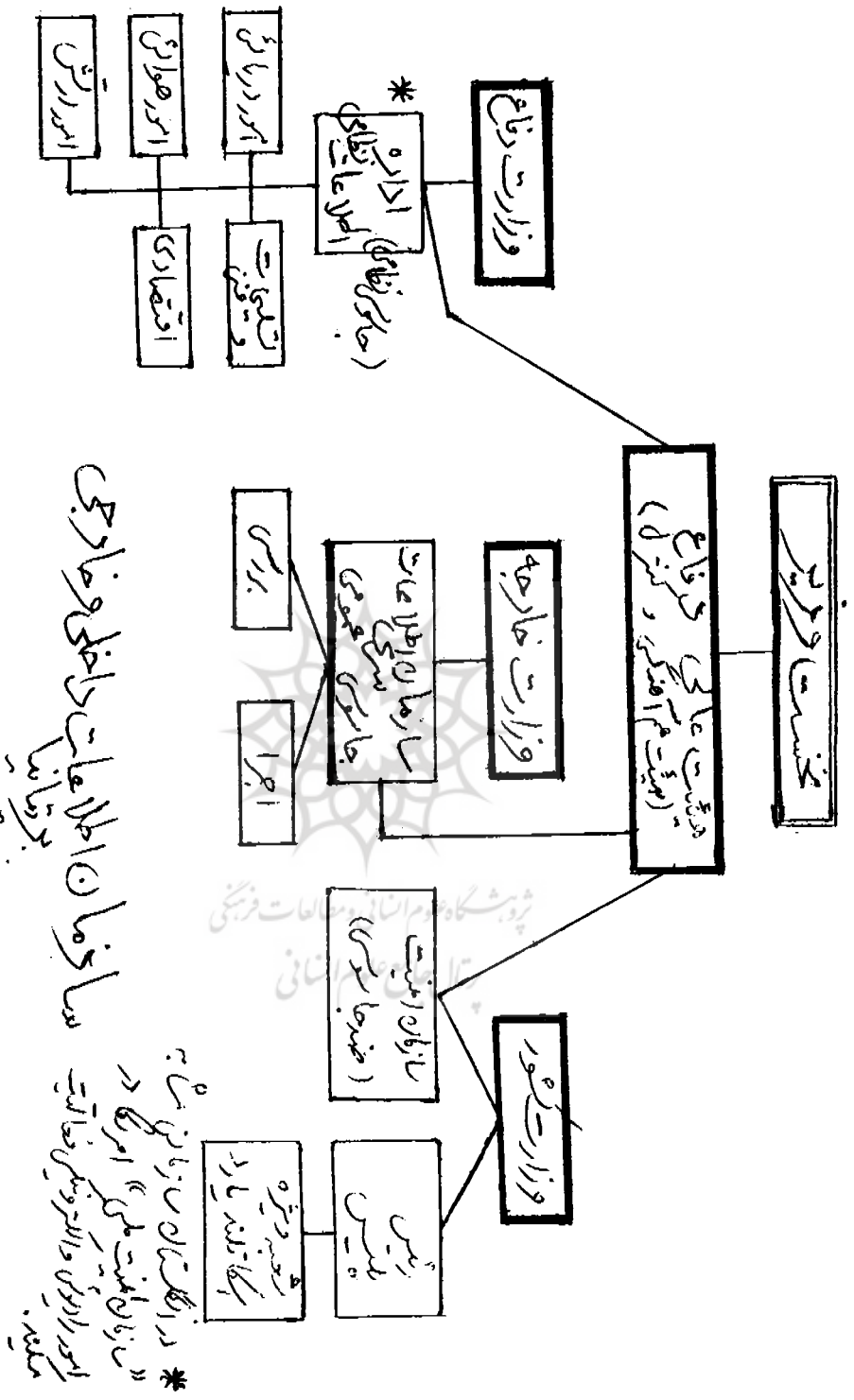
۱- "سازمان اطلاعات سری" (S.I.S.) که در امور جاسوسی فعالیت میکند و از نظر تشکیلاتی در قلمرو "وزارت خارجه" قرار دارد، اما در حقیقت بدستور نخست‌وزیر عمل مینماید و در مقابل او مسئول میباشد. آخرین رئیس سرشناس آن "سرهنگ سرویلیام (بیک) گلد اسمیت وایت" را میتوان نام برد.

۲- "سازمان امنیت" که اسما" در تشکیلات "وزارت کشور" قرار گرفته، اما در عمل مستقیماً به نخست‌وزیر گزارش مینماید و از او دستور میگیرد. رئیس آن "سرادوارد فرینوال جونز" را میتوان نام برد.

۳- "سازمان اطلاعات وزارت دفاع" (اطلاعات دفاعی) است. رئیس آن ژنرال نیروی هوایی "سرالفرد اول" را میتوان نام برد.

در انگلستان کنترل فعالیت‌های این سه قسمت و نظارت بر اطمینان از همکاری این بخش‌های اطلاعاتی، مستقیماً زیر نظر نخست‌وزیر میباشد. این ترتیب آنها را از کار شکنی و دوپهم‌زنی‌ها و کشمکش‌های پیشین برای کسب قدرت باز میدارد. کنترل مزبور از طریق "هیئت همبستگی اطلاعاتی" که در آن روسای این سه بخش از "سازمان سری بریتانیا" عضویت دارند اعمال میگردد. هیئت مزبور رئیس مشخصی ندارد بلکه تنها یک نفر بعنوان "هم‌آهنگ‌کننده" جلسات آنرا اداره مینماید.

همچنین در بریتانیا سازمانی شبیه "سازمان امنیت ملی" آمریکا وجود دارد که در زمینه اطلاعات رادیویی و الکترونیکی فعالیت میکند.



* در انگلستان سازمان اطلاعات داخلی و خارجی
 «سازمان امنیت ملی» امریکا
 «سازمان اطلاعات و امور نظامی» فرانسه
 «سازمان اطلاعات و امور نظامی» اتحاد جماهیر شوروی